فعالیت‌های ضد کارگری باندهای اصلاح‌طلب

توضیح

به موازات تلاش جناح اصلاح‌طلب رژیم برای مبدل ساختن هیولای اسلامی به یک دولت متعارف بورژوایی، باندهای کارگری این طیف نیز درصدد جایگزینی نهادهای پلیسی سرکوبگر سابق با نهادهای صنفی برای کنترل و مقابله با جنبش کارگری هستند. همزمان با آن، ارگان‌های رسمی این دستگاه، همانند خانه کارگر و حزب اسلامی رفاه کارگران و نهادهای وابسته به وزارت کار و دفتر ریاست جمهوری در حال جدال با یکدیگر بر سر چگونگی پیشبرد اهداف خود می‌باشند. ویژگی کنونی این جدال‌ها، مبدل‌شدن مشخصه باندی جناح‌های رژیم اسلامی به خصلت حزبی است. محتوا و اشتراک اساسی آن اما عبارت است از اهداف ضد کارگری همه باندهای جنبش اصلاح‌طلب. اهدافی که خطوط عمومی آن در اطلاعیه‌های تشکیلات کارگران انترناسیونالیست تحت عنوان «استراتژی مهار و سیاست‌زدایی در جنبش کارگری» معرفی گشت.

بخشی از دستگاه رژیم اسلامی تحت پوشش فعالیت حزبی و مطبوعاتی پیشرفت‌های چشمگیری در جلب برخی محافل سیاسی سرخورده چپ نموده است. برگزاری نشست‌های رسمی و غیررسمی با «فعالین کارگری» چپ سابق، انتشار مقالات و مباحث این طیف در نشریات چنین باندهایی (همانند نشریه «اندیشه جامعه» که عموماً مصرف خارج از کشوری داشته و در داخل ایران حتی به‌طورجدی توزیع نیز نمی‌شود) و فشار ایدئولوژیک محققین اصلاح‌طلب دستگاه آموزشی و اطلاعاتی رژیم به طیف سرخورده، جهت به بازی گرفتن اینان در نهادهای صنفی، از اقدامات جنبش اصلاح‌طلب اسلامی در دوساله اخیر بوده است.

با انتشار نامه سرگشاده نمایندگان سابق کارگران صنعت نفت در مطبوعات جناح اصلاح‌طلب و پاسخ کتبی برخی مسئولین دولتی به آنان، تعداد معینی از فعالین جناح چپ اپوزیسیون رژیم، حضور خود در صف‌آرایی جناح‌های حاکمیت اسلامی را آشکار کرده‌اند. در فرهنگ سیاسی توده‌ایسم ایرانی، این رخداد می‌تواند همچون «موفقیت جناح چپ در تأثیرگذاری به تحولات سیاسی» قلمداد شود. همان‌گونه که حزب توده و فدائیان اکثریت از همکاری خود با جمهوری اسلامی تحت عنوان پرهیز از پاسیفیسم چپ‌گرایانه و واقع‌بینی سیاسی دفاع می‌کردند. واقعیت اما چیز دیگری است.

واقعیت این است که در متن یک تحول تاریخی و در بستر تغییر ساختار سیاسی جناح‌های طبقه حاکم در دوران کنونی، روند پیوستن گرایشات سابق چپ به جناح‌های میانه و راست بورژوازی کماکان تداوم دارد. پیشروی جنبش اصلاح‌طلب دولتی ایران در میان اپوزیسیون را نیز باید جزء کوچکی از این روند عمومی بشمار آورد. سوی دیگر این پولاریزاسیون تاریخی نضج‌یابی تدریجی جنبش کمونیستی در سطح بین‌المللی و ملی است. به همین سبب کنار زدن پوشش‌های ایدئولوژیک این فرایند می‌تواند در خدمت شفافیت مواضع انقلابی و سمت‌گیری کمونیستی محافل مبارز قرار گیرد. ازاین‌رو، تشکیلات کارگران انترناسیونالیست ضمن افشای ماهیت تلاش‌های مذبوحانه رژیم اسلامی و محافل ضد کارگری چپ بورژوا، کلیه کارگران مبارز را به هشیاری و فعالیت متحدانه برای ارتقای سطح سازمان‌یابی کارخانه‌ای و حزبی مبارزات کارگری فرامی‌خواند.

رقابت جناح‌ها برای مهار جنبش کارگری و کسب مقبولیت در نزد نهاد کارگری سرمایه‌داری جهانی ILO

«حزب اسلامی رفاه کارگران» و پژوهش کارگری

حزب اسلامی رفاه کارگران فعالیت سازمان‌یافته و مؤثری در این روند داشته است. این حزب نیز به‌مانند دیگر گروه‌های درون جناح‌های بورژوازی ایران، هنوز ساختار واقعی تشکیلاتی و ایدئولوژیکی حزبی به خود نگرفته است. از فعالین خانه کارگر گرفته تا مخالفین آن، در حزب اسلامی رفاه کارگران فعال هستند. صرف‌نظر از حضور مسئولین درجه اول دولتی در سطح رهبری این حزب، طیفی از روشنفکران دانشگاهی، محافلی از توابین چپ که در «دانشگاه‌های» زندان رژیم و تحت آموزش‌های لاجوردی جلاد پی به «حقایق» برده و به همکاری سیستماتیک با دستگاه اطلاعات پرداخته بودند، در حول‌وحوش این حزب قرار دارند.

شکاف میان گروه‌های جناح اصلاح‌طلب در دوساله اخیر ژرفای بیشتری یافته است. منازعات قلمی میان خانه کارگر و روزنامه همشهری، سرانجام به تعطیلی موقت این روزنامه منتهی گشت. نگاه نزدیک‌تری به تنش میان نهادهای کارگری رژیم، نشانگر نقش فعال «حزب اسلامی رفاه کارگران» در این روند است. به‌رغم یکپارچگی پیشین این حزب و خانه کارگر، اختلاف میان این دو فاکتور دیگری در تشدید بحران جبهه دوم خرداد بوده است. حزب اسلامی رفاه کارگران، یا به بیان دقیق‌تر جناح غالب آن با «سیاسی‌کاری» خانه کارگر در اوضاع فعلی توافقی ندارد. از همین رو نیز درصدد ایجاد نهادهای صنفی کارگری و کارفرمایی و اصلاح قانون کار جمهوری اسلامی است. دبیر کل حزب، حسین سرفراز، در میزگردی با استاد دانشگاه و پژوهشگر مسائل کارگری، ایرادات بنیادی قانون کار و ساختار تشکیلات کارگری دولت را توضیح می‌دهد. مباحث این میزگرد، در سایت خبرگزاری دانشجویان ایران در روز اول بهمن‌ماه ۱۳۸۱ به‌طور مفصل منعکس گردید. دکتر محمود اولاد با اشاره به نتایج کار تحقیقات «گروه پژوهشی وی» ایراد اصلی قانون کار فعلی را این می‌داند که گویا نقطه عزیمت تدوین‌کنندگان این قانون حرکت از تضاد میان کارگر و کارفرما بوده است. نظر کارشناس کارگری دانشگاه جمهوری اسلامی و گروه پژوهش آن این است که قانون کار باید آشتی و همکاری کارگر و کارفرما را نقطه عزیمت خود قرار دهد. گروه پژوهش دانشگاه کشف کرده است که تدوین‌کنندگان قانون کار فعلی کارفرما را اژدهای دوسر پنداشته‌اند. و چه کشف علمی بزرگی:

«محمود اولاد پژوهشگر روابط کار در این میزگرد با بیان اینکه «تحقیق گروه پژوهشی ما» در مورد قانون کار نشان داده است که پیش‌زمینه ذهنی تدوین این قانون، دو گروه کارگران و کارفرمایان را مخالف هم دانسته است، عنوان کرد: در قانون کار کارفرما مانند اژدهای دو سری تلقی شده است که می‌خواهد کارگر را ببلعد، بنابراین باید از کارگر دفاع کرد. درحالی‌که اگر کارفرمایی می‌خواست کارگر خود را بدون هیچ دلیلی اخراج کند، وی را استخدام نمی‌کرد.»

آقای اولاد همانند دیگر آکادمیسین‌های سیستم موجود «پژوهشگری علاقه‌مند به مسائل کارگری» هستند که بودجه و امکانات دولتی را صرف تحقیقات پژوهشی کرده‌اند تا «کشفیات علمی» را با مسئولین نظام «بی‌طرفانه» در میان بگذارند. مگر غیراز این است که در سیستم دمکراسی اروپا نیز چنین می‌کنند؟! بنا بر پژوهش‌ها و کشفیات ایشان قانون کار فعلی دست‌وپا گیر بوده و می‌توان:

«به‌جای یک قانون ۲۰۰ ماده‌ای فقط ۲۰ تا ۳۰ ماده مستقل و درست در قالب قانون کار تصویب کرد و بقیه مسائل ریز ذکرشده در قانون کار کنونی را به قراردادهای دوطرفه بسپارد و تمام این قراردادها نیز در یک جای رسمی ثبت‌شده به تأیید ارگانی بی‌طرف یا یک فرد حقوقدان برسد تا مسائل حقوقی آن ازنظر حقوق بشر و استثمار بودن یا نبودن آن‌ها در نظر گرفته شود.»

حسین سرفراز اما فعال سیاسی و دولتی است. مضاف بر آن ازآنجاکه ایشان نماینده سابق کارگران در شورای عالی کار بوده همانند دیگر مهره‌های جنایتکار جمهوری اسلامی «مستضعف» را ملاک صحبت خویش قرار داده است. وی یادآور می‌شود که فلسفه وجودی و وظیفه قانون حمایت از مستضعف است. لذا ایرادی ندارد که قانون کار جمهور اسلامی نیز از کارگر طرفداری کند. اما خبرگزاری دانشجویان از قول ایشان درباره آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار می‌نویسد که حسین سرافراز:

«تصویب آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار را خلاف قانون کار، قانون اساسی، مقاوله نامه‌های بین‌المللی و منشور حقوق بشر ارزیابی کرد و افزود: حدود دو سال پیش کارگاه‌های زیر پنج نفر از شمول قانون کار خارج شدند، آیا این کار نفعی برای جامعه کارگری و شرایط اقتصادی کشور داشته است که امروز به سراغ کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر رفته‌اند؟»

او در ادامه سخنان خود، ایرادات اساسی قانون کار و تشکیلات کارگری دستگاه حاکم را در حضور پژوهشگر دانشگاه تشریح ساخته و انگشت بر سوراخ‌های گل‌وگشاد تشکیلات کارگری رژیم می‌نهد:

«شوراهای اسلامی کار طبق قانون شوراها در کارگاه‌های بالای ۳۵ نفر تشکیل می‌شوند و انجمن‌های صنفی و نمایندگان کارگر، نماینده کارگاه‌های زیر ۳۵ نفر هستند و حتی می‌توانند

برای کارگاه‌های بزرگ‌تر نیز ادعای نمایندگی کنند، ولی عکس آن صادق نیست و شوراهای اسلامی کار فقط نماینده کارگاه‌های بالای ۳۵ نفر هستند. ... بر اساس آخرین آمار مرکز آمار ایران، حدود ۱۵ هزار کارگاه تولیدی با بیش از ۳۵ نفر کارگر در کشور وجود دارند و باید در تمام آن‌ها شورای اسلامی کار تشکیل شود، ولی تاکنون کمتر از ۲۷۰۰ شورای اسلامی کار در کل کشور داریم. یعنی در خوش‌بینانه‌ترین حالت، کانون عالی شوراهای اسلامی کار، نمایندگی ۱۸ درصد کارگاه‌های بالای ۳۵ نفر را به عهده‌دارند.»

نتیجه میزگرد دبیر حزب اسلامی رفاه کارگران با استاد دانشگاه جمهوری اسلامی چیست؟ حداقل یکی از نتایج آن زیر سؤال بردن رقبا است:

«امروز کسی به‌عنوان نماینده واقعی کارگران در شورای عالی کار معرفی‌شده است، که به‌هیچ‌وجه از مجامع کارگری رأی نیاورده است و کارگر هم نبوده است. نماینده کارگر باید انتخاب شود نه انتصاب و کسانی هم که برای حضور در این شورا انتخاب می‌شوند باید کارگر باشند و از کارفرما حقوق بگیرند؛ درحالی‌که شخص معرفی‌شده چنین شرایطی را ندارد و با حضور آن به ترکیب شورای عالی کار خدشه واردشده است.»

دبیر کل حزب اسلامی کار نه‌فقط نمایندگان کارگران در شوراهای اسلامی بلکه نمایندگان کارفرمایان را نیز منتخبین واقعی آنان نمی‌داند. چراکه گویا انتخابات غالباً تحت نفوذ جناح‌های سیاسی بوده و نوعی سیاست زدگی در صنایع ایران حاکم است. از همین رو نیز ایجاد یک ساختار با ثبات صنفی و البته نسبتاً «معتدل» را شرطی جهت تثبیت نظام و رفع «خطرات احتمالی برای امنیت صنایع» تلقی می‌کند. و البته ایشان فوراً یادآور می‌شوند که انجمن‌های صنفی تنها تشکلاتی هستند که با استانداردهای بین‌المللی همخوانی دارند. پاسداران و کمیته‌چی‌های دیروز درون کارخانجات و کادرهای امروز «حزب اسلامی رفاه کارگران» به همراه حجت‌الاسلام‌های حوزه علمیه، «اعتدال و قانون» و استانداردهای بین‌المللی را سرلوحه کار حزبی خود قرار داده‌اند.

روشن است که جهت‌گیری حزب اسلامی رفاه کارگران در انطباق با استراتژی عمومی جنبش اصلاح‌طلب، ایجاد نهادهای صنفی برای کنترل و مهار مبارزات کارگری، قرار دارد. این امر حاکی از آن است که خانه کارگر از دو سو تحت فشار قرار دارد. از سوی بخشی از فعالین سابق این نهاد که به‌صورت حزب سیاسی می‌کوشند تا فعالیت با برنامه پیش برند، و از سوی جناحی که روزنامه همشهری مبدل به سخنگوی آن شده است.

بورژوازی و طبقات حاکمه هیچگاه در توجیه و توضیح «علمی و ایدئولوژیک» توحش خود کم نیاورده است. آقای دکتر محمود اولاد و گروه پژوهشی ایشان در تحقیقات خود تنها نیستند. پس از نزدیک به ۲۵ سال سرکوب و کشتار، پس از انقلاب خونین فرهنگی و پاک‌سازی دانشگاه‌ها، امروز خیل وسیعی از سهمیه‌های بسیج و جبهه و دستگاه اطلاعات رژیم مبدل به «پژوهشگرانی» در مسائل اسلامی و کارگری گشته‌اند. روزی در میان این طیف مبارزه ضد غربی و ضد امپریالیستی در بورس بود و امروز رفرمیسم و دمکراسی مد روز شده است. دانشگاه‌های رژیم اسلامی نیز در این موج تنها نیستند.

گذشته از همراهان و حامیان قدرتمند اینان در دستگاه آموزشی و سیستم سیاسی امپریالیسم اروپا، محافل سیاسی سرگردان و خرده‌پا هم به دنبالشان روان هستند. هم‌اکنون گفته‌های امثال سرفراز و محمود اولاد نه‌فقط در نزد علاقه‌مندان به پژوهش کارگری دانشگاه جمهوری اسلامی، بلکه در نزد «پژوهش کارگری» دانشجوی چپ سابق و دکتر اصلاح‌طلب امروز در خارج کشور هم به زبان دیگری تکرار می‌گردد. گفته‌هایی که شاهبیت آن لزوم وجود اتحادیه کارگری برای کارکرد «بهتر» نظام سرمایه‌داری است. گفته‌هایی که به‌رغم «پژوهش»ها بر جهالت و میل طبقاتی، بر ناتوانی اینان در فهم رابطه اقتصاد و دمکراسی و اتحادیه کارگری، و مکانیسم آن‌ها در مرحله گندیدگی نظام کنونی استوار است. گفته‌هایی که بر پندار امکان کپی یا مونتاژ اجزاء فکری یا اجتماعی جنبه‌های دمکراسی سیستم امپریالیستی در نظام نوع پیرامونی استوار است. گفته‌هایی که بر تصور ساده‌لوحانه جوان بودن نظام سرمایه در کشور پیرامون و امکان عبور سرمایه‌داری ایران از مراحل سرمایه‌داری سوئد قرار دارد. گفتمان سیاسی و نظری همه پژوهشگران و فعالین سیاسی که در پی تحقق بخشیدن رؤیاهای لیبرالیسم معیوب وطنی هستند یکسان است. از آصف بیات به‌عنوان یکی از پیشکسوتان انتقال ایده «اتحادیه پایه دمکراسی» گرفته تا محققین اصلاح‌طلب نظام اسلامی و سرانجام دانشجویان تازه فارغ‌التحصیل شاغل در «پژوهش کارگری» همگی حرف مشترکی می‌زنند. ازجمله دکتر

زهرا کریمی استاد دانشگاه مازندران و «پژوهشگر در مسائل کارگری» در مصاحبه‌ای با خبرگزاری کارگری ایسنا تأکید می‌کند که:

«اتحادیه‌های صنفی به اعتقاد برخی کارشناسان قوه چهارم اداره کشور هستند، بنابراین آن‌ها ابزار نظارت و تعاون و همکاری هستند و ارتباط بین دمکراسی و اتحادیه‌های مستقل یک رابطه مستقیم است. البته ممکن است در ابتدا این تشکل‌ها مشکلاتی ایجاد کنند، ولی در بلندمدت با مذاکرات دسته‌جمعی می‌توانند تنش‌ها را کاهش دهند. در سال ۱۳۵۷ در ایران ۹۷۸ سندیکا وجود داشت که بعد از انقلاب بسیاری از آن‌ها تبدیل به شوراهای کارگری شدند که در دوران اعتصابات انقلاب کم‌کم شکل گرفت. این شوراها نخست مورد مخالفت قرار گرفتند، چراکه داعیه مداخله در اداره واحدها را داشتند درصورتی‌که سندیکاها واحدهای صنفی کارگری بودند».

به نظر می‌رسد که محققین اصلاح‌طلب جمهوری اسلامی ایران، از دکتر حسین بشریه و دکتر محمود اولاد تا دکتر زهرا خانم، همگی پس از انتقال فرهنگ «پژوهش کارگری» از دستگاه آموزشی کشورهای پیشرفته به دانشگاه‌های جمهوری اسلامی، حال می‌کوشند تا «فرهنگ تحزب کارگری و فعالیت اتحادیه‌ای» را به ایران منتقل سازند. در راه این پندار اما موانعی وجود دارد. مهم‌ترین مانع ناتوانی اینان در سازمان‌یابی خودشان است.

خانه کارگر جمهوری اسلامی و روزنامه همشهری

در پی ملاقات نمایندگان جناحی از نهادهای صنفی دولت اسلامی با برنارد جرنیکان و کرن کرتین از مسئولان بخش آزادی‌های سندیکایی I.L.O در تهران که مهرماه سال جاری انجام شد، هیئتی متشکل از نمایندگان این تشکل‌ها به‌منظور ملاقات و مذاکره مستقیم با مقامات و مسئولان ارشد سازمان بین‌المللی کار راهی ژنو شدند. در ترکیب هیئت مذکور رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران و دبیر کانون سراسری انجمن‌های صنفی رانندگان حمل‌ونقل جاده‌ای کالای کشور و تعدادی نیز به‌عنوان نمایندگان شوراهای اسلامی کار استان تهران حضور داشتند. اقدام هیئت اعزامی سازمان جهانی کار در راستای تسریع تحولات دولتی در ایران صورت گرفت. گزارش هیئت اعزامی سازمان جهانی کار بیانگر مواضع این نهاد درباره سازمان‌یابی تشکل‌های صنفی دولت اسلامی، لزوم اصلاحات در قانون کار و همچنین جایگاه خانه کارگر در این مسیر بود. این مسئله اما فعالین خانه کارگر را ناخشنود گرداند.

دبیر اجرایی خانه کارگر استان تهران هیئت اعزامی به سازمان جهانی کار را نمایندگان بخشی از کارگران کشور دانست و گفت:

«این گروه غیرقانونی است، چراکه فقط نماینده یک صنف یا یک استان کشور بوده‌اند و نماینده واقعی کارگران، حسن صادقی، رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار است.»

به دنبال این کشمکش‌ها، مطبوعات اصلاح‌طلب اعلام کردند که رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار و یک نماینده از خانه کارگر به‌منظور پاسخگویی به سؤال‌ها و اعتراض‌های هیئت اعزامی مذکور عازم ژنو شدند. این خبر اگرچه توسط رئیس دفتر کانون عالی شوراهای اسلامی تکذیب گشت، اما نشان از تلاش بی‌وقفه گرایشات درون جنبش اصلاحات دولت اسلامی در سطح بین‌المللی دارد.

در تداوم این جنگ قدرت، باندهای اصلاح‌طلب اقدام به افشای امتیازها و امکانات مالی «نمایندگان کارگر» طرف مقابل و یا جایگاه سیاسی آنان در دستگاه دولتی کردند. این امر منجر به افشای هویت «نمایندگان کارگر» جمهوری اسلامی جهت اثبات کارگر نبودن آنان، ازجمله عضویت غیررسمی علیرضا محجوب در هیئت‌مدیره دو شرکت گشت. علیرضا محجوب نیز برای گوشمالی دادن حریف، دست به دامان قوه قضائیه شده و از روزنامه همشهری شکایت به عمل آورد. به دنبال این واقعه مطبوعات ایران خبر از تعطیلی موقت روزنامه همشهری دادند. خبرگزاری ایسنا نوشت که:

«به دلیل استنکاف مدیرمسئول روزنامه همشهری از چاپ جوابیه دبیر کل و مسئول روابط بین‌الملل خانه کارگر، و بی‌توجهی به تذکر کتبی دادگستری، این روزنامه به مدت ده روز از تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۳ توقیف موقت شد.»

به دنبال انتشار خبر توقیف روزنامه همشهری، علیرضا محجوب شاکی روزنامه در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس اعلام کرد: «روزنامه همشهری عملاً به ارگان یک حزب تبدیل‌شده است درحالی‌که با اموال عمومی منتشر می‌شود و حق ندارد که ارگان یک حزب یا ارگان مخالفین حزب دیگر بشود.» محجوب افزود: «روزنامه همشهری راه یک‌طرفه را در پیش‌گرفته است و مطالبی را در این مدت درباره قانون کار نوشت و به راهپیمایی ۲۵ تیر کارگران حمله کرد و از جملات موهن استفاده نمود و حتی به تشکیلات خانه کارگر نیز هجوم برد که عنوان خانه کارگر جعلی است.»
حضور هیئت اعزامی سازمان جهانی کار در ایران، باندهای اصلاح‌طلب را به رقابتی بی‌رحمانه برای اخذ تائیدیه از ارباب دمکراسی کشاند. هر گرایش و باندی برای مغلوب ساختن حریف آخرین کارت را رو می‌کرد. در بحبوحه این جدال بود که سایت خبرگزاری دانشجویان ایران، با انتشار نامه نمایندگان سابق صنعت نفت به مسئولین سازمان جهانی کار، توجه جناح‌ها را به حضور طیف جدیدی از «فعالان سابق کارگری» در این منازعات جلب کرد. در ادامه این بحث، به مضمون نامه نمایندگان نفت و ایراداتی که به تشکلات کارگری رژیم گرفته خواهیم پرداخت. پیش‌تر اما تأملی بر نقش «بنیاد کار» و محافل پیرامون آن در این روند، ضروری است.

نشریه «اندیشه جامعه» و تشکل «بنیاد کار»

ماهنامه اندیشه جامعه در تابستان ۱۳۷۷ درصحنه مطبوعات جمهوری اسلامی ظاهر شد. این ماهنامه تحت مسئولیت محمدرضا عاشوری، که دانشجوی فارغ‌التحصیل رشته جامعه‌شناسی دانشگاه‌های رژیم اسلامی و البته «علاقه‌مند به مسائل کارگری» می‌باشند، منتشر می‌گردد. از شعر و ادب تا عرفان و در دوساله اخیر مباحث مربوط به تشکل‌یابی کارگری ایران، جهت عمومی مضامین ماهنامه اندیشه جامعه را تشکیل می‌دهد. این نشریه اگرچه خود را مروج نظریات و دیدگاه‌های مختلف در حوزه جامعه‌شناختی قلمداد می‌کند، اما در سال‌های اخیر نقش چشمگیری درصحنه کشمکش جناح‌های حاکمیت اسلامی داشته است. به‌عنوان‌مثال آقای عاشوری به‌عنوان «خبرنگار» ماهنامه «اندیشه جامعه» در مجمع عمومی انجمن‌های صنفی حضور به هم رسانده و سپس در مصاحبه‌ای با روزنامه کار و کارگر به تاریخ ۲ شهریور ۱۳۸۰ مسائل درونی مجمع عمومی و هویت صاحبان مطبوعات و کامیون‌دارانی را که نمایندگان صنوف خود شده بودند را افشا کردند.
آقای عاشوری در اول و دوم ماه جون ۲۰۰۲ در نشستی تحت عنوان «سمینار جنبش کارگری ایران، موانع و چشم‌اندازها» به‌عنوان یکی از «صاحب‌نظران مسائل کارگری ایران» شرکت کردند. در این سمینار وی به همراه آقای یدالله خسروشاهی و ناصر سعیدی (البته این عنوانِ دوره دانشجویی ایشان است، زمانی که به‌عنوان میهمان یک مجمع عمومی «انجمن کارگران پناهنده و مهاجر» به عضویت افتخاری این تشکل درآمد. اکنون و حداقل در سمینار مزبور ایشان به‌عنوان «دکتر ناصر سعیدی، بنیان‌گذار انجمن کارگران، جامعه‌شناس و پژوهشگر در مسائل کارگری» حضور داشتند) و تعدادی دیگر درباره مسائل جنبش کارگری سخنرانی نمودند. عنوان سخنرانی آقای عاشوری «قانون کار و قراردادهای موقت و جنبش تهیدستان» و موضوع آن نیز بررسی تاریخچه قانون کار در ایران و مسئله قراردادهای موقت و تأثیر آن بر اشتغال‌زایی و رابطه قانون و تنش‌های اجتماعی بود.
علاوه بر حضور فعال درصحنه مطبوعاتی داخل کشور، مباحث «اندیشه جامعه» مکان قابل‌رؤیتی در برخی نشریات و سایت‌های اینترنتی یافته است. از این جمله است سایت «بنیاد کار» که به‌وسیله آقای یدالله خسروشاهی و دوستانش و عناصر سرخورده از حزب کمونیست کارگری راه‌اندازی شده است. هم‌اکنون بیش از نود درصد مطالب سایت مزبور، تکثیر مستقیم یا بازگویی غیرمستقیم اخبار و مقالات مطبوعات اصلاح‌طلب رژیم اسلامی است. نگاه نزدیک‌تر به مضامین انتشارات «بنیاد کار» و «اندیشه جامعه» اما حکایت از چیز دیگری دارد: اینکه این هر دو، یعنی ماهنامه «اندیشه جامعه» و «بنیاد کار» برای «انتقال فرهنگ اتحادیه‌ای» به نهادهای صنفی نوپای جناح اصلاح‌طلب رژیم گام‌های قابل‌توجهی برداشته‌اند. فراتر از آن، تلاش کنونی اینان معطوف به جا انداختن بحث انتقال فعالین «اتحادیه‌ای» به خانه کارگر می‌باشد.

یدالله، دبیر سابق سندیکای کارگران نفت سخن می‌گوید: بازگشت به خانه کارگر

ماهنامه اندیشه جامعه در شماره ۲۳ خود مصاحبه‌ای با یدالله دبیر سابق سندیکای کارگران نفت پالایشگاه تهران به عمل‌آورده است. عنوان این مصاحبه چنین است: «بگذار سخن بگویم»، و به‌راستی نیز ایشان به سخن آمده است. سازمان دهنده مصاحبه، با تبحر تحسین‌آمیزی کوشیده تا «کارت برنده» را روی میز مخاطبین خود، یعنی جناح‌های داخلی، قرار دهد. مصاحبه به‌دقت آذین گشته است. سابقه فعالیت کارگری و سندیکایی یدالله به همراه کارت شناسایی

کارخانه بخش اول مصاحبه را زیور داده است. در خلال ذکر سوابق، همنشینی و حسن نظر یدالله به دوستانش که یکی از آنان نیز وزیر بوده با جزئیات اشارهشده است. در گوشه دیگری از صفحه ۴۱ اندیشه جامعه شماره ۲۳ عکسی که در آن یدالله و «شهید محمدجواد تندگویان، وزیر نفت» دست در دست یکدیگر حلقهزدهاند، خودنمایی میکند.
سؤالات و پاسخها، پیرامون تشکلهای کارگری وابسته به جناحهای رژیم و موضوعات موردبحث آنها دور میزند. این مصاحبه «کارگری» را میتوان همچون اعلام پلاتفرمی در تعیین مکان طیفی از «فعالان کارگری سابق» در خط بندی موجود میان گروههای اصلاحطلب تلقی کرد. ایرادات جناحها به یکدیگر، ازجمله ایراد حزب اسلامی کار به شوراهای اسلامی و خانه کارگر از زبان ایشان تکرار میشود. بهعنوانمثال در پاسخ به نظرخواهی «اندیشه جامعه» درباره خانه کارگر یدالله میگوید که:

«در مورد خانه کارگر فعلی با نگاهی به مرامنامه آن که در یک مقدمه و ۱۴ بند تهیهشده، متوجه میشویم که اصولاً این یک تشکیلات سیاسی چون «حزب اسلامی کار» است، نه یک تشکیلات اقتصادی و صنفی کارگران که از کف کارخانه شکلگرفته باشد. به بند ۸ این مرامنامه توجه کنید که میگوید، پشتیبانی از مبارزه ملتهای مستضعف جهان که در راه حق و آزادی مبارزه میکنند، و یا بند ۱۰ که میگوید مبارزه علیه کفر و استکبار جهانی، نژادپرستی، صهیونیسم و حامیان آنها در سراسر جهان، و بندهای دیگر نیز در همین راستا و چنین وظایفی برای خود مشخص کرده که خیلی هم خوب است. اما این یک تشکل سیاسی و فراگیری است که چون یک حزب همهٔ افراد کشور که تمایل داشته باشند.»

آنگاه یدالله به موقعیت سیاسی و شغلی فعالین خانه کارگر انگشت مینهد تا نشان دهد که آنها کارگر نیستند. وزن اصلی سخنان یدالله بر لزوم جدایی فعالیت سیاسی از فعالیت صنفی قرار دارد. وی در این راستا چندان پیش میرود که یقیناً طراحان استراتژی ایجاد نهادهای صنفی و سیاستزدایی در جنبش کارگری را به حیرت میاندازد:

«سؤال این است که آیا در بین چند میلیون کارگر افرادی پیدا نمیشوند که این توانایی را داشته باشند که متصدی امور تشکیلات خود ازجمله تشکل صنفی خود باشند؟ تا کی به کارگران بایستی به چشم حقارت نگریست و برای آنها حزب سیاسی درست کرد و حتی به آنها این اجازه را نداد که مسئولیت تشکل صنفی خویش را به عهده بگیرند. آیا مسئولان خانه کارگر با چنین نگرشی میخواهند فقر و محرومیت و استثمار را ریشهکن کنند و کارگران را مالک ابزار خودنمایند و از آزادیهای انسانی و ارزشآفرین دفاع نمایند، یعنی آنطور که در مرامنامه خانه کارگر آوردهاند.»

بهرغم مهارت یدالله در دوپهلو گویی، جوهر حرف وی در این گفتهها کاملاً آشکار است. وی با خانه کارگر بهعنوان یک نهاد دشمن کارگران، بهعنوان نهادی که در سرکوب و کشتار تاکنونی کارگران نقش اصلی را داشته، سخن نمیگوید. قرار هم نبود که چنین کند. وی از نقش بیشازحد دلسوزانه و قیممابانه خانه کارگر در اقداماتش «برای» کارگران و بهجای کارگران گلایه میکند.
و اما جان کلام در سؤال «اندیشه جامعه» و پاسخ یدالله نهفته است.
اندیشه جامعه: «بخشی از فعالان سابق کارگری که جزء کسانی هستند که زندگیشان را در این راه گذاشتهاند، میگویند که «خانه کارگر» به هر علتی مایل نیست از تجارب آنها بهره گیرد و دلیل آن را بیشتر مسائل سیاسی میدانند. در چنین مواردی نظر مشخص شما چیست؟»
یدالله:

«تعداد زیادی از فعالان کارگری تنها به خاطر فعالیت در محیط کار، تنها به خاطر اختلافات نظری روانه زندان شدند و یا بدون دریافت سنوات خدمات از کار برکنار گردیدند. به این افراد ضررهای جبرانناپذیری واردشده و از هستی ساقط گردیدهاند. جمعی در داخل کشور و گروهی بهناچار به خارج کشور روی آوردهاند. من فکر میکنم تا زمانی که خانه کارگر دارای چنین ساختاری است، تا زمانی که منتخبان واقعی کارگران در رأس امور کارگری قرار نگیرند، تا زمانی که کارگران قادر نباشند در صنایع و کارخانههای بزرگ تشکل خود را به وجود آورند و در مجامع حضور یابند، تا زمانی که جو فکری و عملکرد حاضر بر خانه کارگر حاکم باشد،

صحبت کردن از بازگشت فعالان سابق کارگری به خانه کارگر جدی به نظر نمی‌رسد. اگر روزی رسد که جامعه کارگری احساس امنیت کامل کند، قطعاً فعالان در اسرع وقت به خانهٔ خود بازمی‌گردند و در آن مشغول فعالیت می‌شوند. فعالان سابق کارگری برای چنین موقعیتی روزشماری می‌کنند.»

صحبت بازگشت جدی است

امروز با گذشت مدت‌زمان معینی، اتفاقاتی رخداده است. یکی از این اتفاقات، حضور یدالله و همراهانش در جدال رسمی جناح‌ها در ایران است. در پی انتشار گزارش هیئت اعزامی سازمان جهانی کار به ایران و شدت‌یابی اختلافات درون جناح اصلاح‌طلب دولت جمهوری اسلامی ایران، خبرگزاری دانشجویان ایران مبادرت به انتشار نامه تعدادی از نمایندگان سابق صنعت نفت به سازمان جهانی کار کرد. این نامه به امضای یدالله دبیر سابق سندیکای کارگران نفت پالایشگاه تهران و افراد ذیل رسیده است:

علی پیچگاه، نماینده شورای متحده پالایشگاه تهران در شورای کارکنان صنعت نفت، محمدصادق خرم، دبیر سندیکا و نماینده شورای پالایشگاه شیراز در شورای صنعت نفت، عبدالرسول فقها زاده، نماینده شورای ابزار دقیق پالایشگاه تهران، کیومرث شهنی، دبیر سندیکای کارگران انبار نفت ری، خطوط لوله و مخابرات صنعت نفت.

در این نامه به موضع هیئت اعزامی سازمان جهانی کار درباره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و وسایط نقلیه و شوراهای اسلامی کار اعتراض شده است. (از شیوه ژورنالیست‌های پاسدار در خبرگزاری جمهوری اسلامی می‌توان صرف‌نظر کرد. شیوه‌ای که از سویی ادعای مبارزه برای پارلمانتاریسم و قانون و انتخابات بورژوایی که «نماینده بودن» در هر چهار سال یک‌بار مورد رأی‌گیری قرار می‌گیرد، دارند و از سوی دیگر افرادی که بیش از بیست سال پیش نماینده کارگران بودند را به‌عنوان «گروهی از نمایندگان نسل کنونی کارکنان صنعت نفت» معرفی کرده است). در نامه «گروهی از نمایندگان کارکنان صنعت نفت» به سازمان جهانی کار آمده است که:

«طبق اسناد مستند، تشکیل‌دهندگان انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به‌طور عموم نه کارکنان مطبوعات، بلکه صاحبان مطبوعات هستند و در انجمن صنفی رانندگان وسایل نقلیه سنگین نیز صاحبان کامیون‌ها در مقابل رانندگان از اکثریت مطلق برخوردارند. لازم به یادآوری است که یکی از روزنامه‌نگاران، محمدرضا عاشوری، مدیرمسئول نشریه اندیشه و جامعه که در جلسه این انجمن حضورداشته است، در مصاحبه خود این موضوع را به‌درستی نشان داده است».

در این نامه همچنین ضمن اعتراض به نقش حسن صادقی، رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی گفته‌شده است که:

«صادقی به‌هیچ‌وجه صلاحیت شرکت در این جلسات به‌عنوان نماینده کارگران کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر را ندارد، زیرا وی نماینده شوراهای اسلامی کار است و طبق ماده ۱۵ قانون تشکل شوراهای اسلامی کار مصوبه ۶۳/۱۰/۳۰ و ماده یک آیین‌نامه انتخابات قانون شوراهای اسلامی کار مصوبه ۱۳۶۴/۴/۳۰ هیئت وزیران، در کارگاه‌های ۳۵ نفر و بیشتر می‌توان شوراهای اسلامی تشکیل داد، بنابراین شوراهای اسلامی کار نمی‌توانند اصولاً در کارگاه‌های ۱۰ نفر و کمتر تشکیل شوند و ازاین‌رو صادقی به‌عنوان نماینده شوراهای اسلامی کار حق امضای قرارداد برای کارگاه‌های ۱۰ نفر و کمتر را نداشته و نماینده این قبیل کارگاه‌ها نیست، از طرف دیگر سعادتی اظهار داشته است که اصولاً هنوز تشکلی به نام کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران وجود ندارد (گزارش ایسنا ۲۰۰۲/۱۱/۷) و این یک‌بار دیگر ثابت می‌کند که صادقی از طرف کارگران کارگاه‌های ۱۰ نفر و کمتر که ۹۶ درصد کارگران کارگاه‌های کوچک در این محیط‌های کاری مشغول به کار هستند، هیچ‌گونه نمایندگی قانونی نداشته‌اند که چنین قراردادی را امضا کنند».

امضاکنندگان نامه ضمن ذکر نکات دیگری درباره اوضاع تشکل‌های کارگری که در آغاز این مقاله از زبان حزب اسلامی رفاه کارگران، تشریح گردید، در پایان آمادگی خود را برای یک جلسه حضوری و توضیح مبسوط مسائل مطرح‌شده در این نامه اعلام داشته‌اند.

اکنون چه؟

اکنون‌که شاهد ابراز وجود نمایندگان سابق کارگران نفت و یدالله درصحنه سیاست ایران و صفحات اول مطبوعات رژیم اسلامی حول مسائل مورد منازعه جناح‌های آن هستیم، می‌توان بحث «بازگشت فعالان سابق کارگری به خانه خودشان» را جدی تلقی نمود. آیا یدالله، با گذشت این مدت‌زمان از روابط نهان و آشکار خود با محافل داخل ایران، هنوز صحبت کردن از بازگشت فعالان سابق کارگری به خانه کارگر توسط گرایشات درونی رژیم را جدی نمی‌گیرد؟

اکنون، در آستانه اوج‌گیری جدال گروه‌هایی که «گذاشتند تا یدالله در داخل سخن بگوید»، اکنون‌که حرکت سازمان‌یافته و مشترک یدالله و «فعالان سابق کارگری داخل»، در مطبوعات رسمی و پرتیراژ ایران و خبرگزاری ایسنا منتشر می‌شود، اکنون‌که طیف دیگری از «فعالان سابق کارگری در خارج کشور» مطالب ضد کارگری مطبوعات اصلاح‌طلب را چنین با اشتیاق در سایت «بنیاد کار» بازنویسی می‌کنند، اکنون چه؟ اکنون‌که جدیت هر دو طرف به اثبات رسیده، گام بعد چیست؟ اکنون در حال انجام چه کاری هستید؟ اکنون‌که گفتمان «فعالان سابق حزب کمونیست کارگری» حول مباحث توسعه درون «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» تمرکزیافته، اکنون چه؟ اکنون‌که شعار «عدم دخالت دولت و نیروهای غیر کارگری، پایه اصلی تشکلات مستقل کارگری است» آذین‌بخش سایت «بنیاد کار» و جریان معینی از جنبش اصلاح‌طلبی داخل گشته، اکنون چه؟ یدالله و آن‌هایی که با پروژه ایجاد تشکل کارگری، از داخل به وی پیوستند، آن‌هایی که توزیع و پخش نشریات محافل اصلاح‌طلب و بعضاً مشکوک داخل ایران را در اروپا با ریال حمایت می‌کنند، آن‌ها و یدالله می‌دانند که از «کارگران پناهنده و مهاجر» تا «بنیاد کار» راه طولانی و پرپیچ‌وخمی بوده است. راهی که محفل یدالله و دوستانش در «سفرها و خطرها»، پیشتاز آن بوده‌اند. در این راه نیروها و فاکتورهای بسیاری نقش داشته‌اند. «بنیاد کار» بی‌آنکه «فعالین آن» بدانند، تنها یکی از محصولات این روند بوده است.

«دستاوردهای دیگر»، به همراه زوایای تاریک تاریخ «یدالله، دبیر سندیکای کارگران نفت» تنها زمانی آشکار خواهد شد که با سلب امنیت «فعالان سابق کارگری» و «خانه کارگر» و «حزب اسلامی رفاه کارگران» توسط جنبش انقلابی، امنیت کارگران کمونیست تأمین گردد.

ضمیمهٔ «مبارزهٔ طبقاتی» ۹، سال دوم، بهمن ۱۳۸۱ – تشکیلات کارگران انترناسیونالیست